

و بیماری، از حضور فعال او در عرصه‌های گوناگون جلوگیری می‌کرد. با این همه، صدای او که همگان را به سلطنت مشروطه در رعایت حقوق فردی فرا می‌خواند، از سخنرانی هر مشروطه‌خواهی شنیده می‌شد و نهالی که او کشته بود، بعدها با تصویب قوانین و مصوبات نخستین مجلس به ثمر نشست [۹].

میرزا ملکم خان، نویسنده‌ای کوشا بود که عمدتاً به موضوع‌های مهم سیاسی و اجتماعی روز می‌پرداخت. سبک او بیش از آن که از نویسندگان صاحب سبک سنت گرای ایران تأثیر پذیرفته باشد، از نویسندگان اروپایی متأثر بود. ویژگی بارز سبک آثار ملکم خان، شیوه‌ی دلیل و برهان بود، شیوه‌ای که به عنوان پدیده‌ی جدید ادبی، مورد توجه نسل جوان قرار گرفت. نادرستی‌های نحوی و ناسازگاری‌های ابدلولوژیک در نوشته‌های ملکم خان دیده می‌شد، اما سادگی و روانی سبک، همراه با نوآوری درونمایه‌ای، خوانندگان آن روزگار را برمی‌انگیخت. آثار ملکم خان، افزون بر آن که حرکت مشروطیت را شتاب فزاینده‌ای بخشید سبک جدیدی نیز فراروی نویسندگان جوان قرار داد. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان، شمار بسیاری از نویسندگان جوان پیشرفت‌خواه، به ویژه روزنامه‌نگاران، سبک او را الگوی نویسندگی خود می‌پنداشتند.

میرزا ملکم خان، افزون بر داشتن دیدگاه‌های انتقادی اجتماعی و سیاسی، پشتیبان کوشای اصلاح خط فارسی بود [۱۰]. او چندین کتاب و رساله در زمینه‌ی الفبایی که خود پدید آورده بود نوشت [۱۱]. یکی دیگر از خدمت‌های ملکم خان به زبان فارسی، کاربرد اصطلاحات جدید در نوشته‌های اوست. این اصطلاحات، غالباً دقیق و به دور از ابهام می‌باشد و از آثار وی به زبان فارسی راه یافته است. در حقیقت، بسیاری از اصطلاحاتی که امروز در نظام اداری و دولتی

ایران به کار می‌رود، همان اصطلاحاتی است که ملکم خان، نخستین بار در روزنامه‌ها و مقاله‌های گوناگون خود به کار برده و یا از آنها سرچشمه گرفته است.

عبدالرحیم طالبوف

نخستین نویسنده‌ای که ایرانیان را با دانش‌های جدید آشنا کرد، عبدالرحیم نجارزاده یا «طالبوف» [۱۳۲۹-۱۲۵۰ ق. / ۱۹۱۱-۱۸۳۴ م.] بود [۱۲]. او بعدها، خود را «طالب‌زاده» نامید و پسوند فارسی را جایگزین پسوند روسی کرد. طالبوف در تبریز زاده شد، اما بخش گسترده‌ای از زندگی خود را در قفقاز گذراند. در آن دیار به کار پرداخت و به مطالعه‌ی ادبیات و دانش‌های طبیعی روی آورد. سبک کتاب‌های طالبوف، ساده و خواندنی است و گستره‌ی در خور توجهی از مضامین اخلاقی و علمی را در برمی‌گیرد. آوازه‌ی ادبی طالبوف، بیشتر به واپسین اثر بزرگ او، *مسالک المحسنین* وابسته است که یکی از دستاوردهای برجسته‌ی ادبی این دوره به شمار می‌آید. این کتاب، سفرنامه‌ی تخیلی در قلمرو دانش‌های جدید و به داستانی دنباله‌دار همانند است؛ که سرشار از توصیف‌های پویا و زنده در زمینه‌ی باورها، رفتارها و کنش‌های طبقات گوناگون مردم و شیوه‌های زیستی آنهاست. دیگر آثار طالبوف را می‌توان چنین برشمرد: *پندنامه مارکوس*، *هیأت فلاماریون* (این دو کتاب از روسی به فارسی ترجمه شده‌اند)، *مسایل الحیات*، *نخبة سپهری*، *سیاست طالبی*، *آزادی چه چیز است؟* و کتاب دو جلدی *کتاب احمد یا سفینه طالبی* [۱۳]. تمام این آثار، در روزگار نویسنده به آوازه‌ی در خور توجهی دست یافتند. واپسین کتاب از این مجموعه، راهنمایی است برای آشنایی کودکان با دانش‌های جدید، به شکل گفتگوی پدر با

پسر خود. در سفینه طالبی و نیز در مسایل الحیات و آزادی چه چیز است؟ (که ادامه‌ی سفینه طالبی به شمار می‌آیند) نویسنده، با زبان ساده و روزمره‌ی مردم پیرامون فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و دستاوردهای جدید، مفهوم آزادی، دموکراسی، استقلال و ... بحث می‌کند و می‌کوشد خوانندگان خود را با این گونه موضوع‌ها آشنا سازد و آنها را به بایستگی دگرگونی‌ها و اصلاحات اجتماعی و فرهنگی سرزمین خود آگاه کند.

برخی از رهبران مذهبی در تبریز، نوشته‌های عبدالرحیم طالبوف را نکوهش و او را به بی‌دینی متهم و خواندن آثار او را ممنوع کردند. اما این آثار، سبب آوازه و محبوبیت نویسنده شد، به گونه‌ای که پس از انقلاب مشروطیت، مردم تبریز، به صورت غیابی، او را به عنوان نماینده‌ی خود در نخستین مجلس برگزیدند. او این افتخار را پذیرفت، اما به سبب کهنسالی و ناخشنودی‌های گذشته، هرگز به تهران نرفت [۱۴].

یادداشت‌های مترجمان

[۱] شاید پرآوازه‌ترین نویسنده‌ی دوره‌ی قاجار (به ویژه پیش از مشروطیت) میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (مقتول در ۱۲۵۱ ق.) است که با تکیه بر ذوق و استعداد خود، رویدادهای روزگار خود را با زبان رایج در دوره‌ی قاجار در بافت زبانی به سبک گلستان سعدی به دست داد. ویژگی‌های نثر قائم مقام عبارت بودند از: نثر شیرین و آمیخته به شعر و ضرب‌المثل‌ها و کاربرد لطیف زبان عربی، عبارات‌های کوتاه و جاندار همراه با سجع و قریبه‌سازی، شیوه‌ای پویا و زنده در نثر نویسی و ... ملک الشعرای بهار در سبک‌شناسی (ج ۳، ص ۳۵۶) به تفصیل در باره‌ی ویژگی‌های سبکی نثر قائم سخن گفته است:

قائم مقام - رضوان الله علیه .. در تحلیل و تدریج مصراع‌ها و ابیات و به اصطلاح در بعضی از اقتباسات به سلیقه من بر تمام منقذمین می‌چربد.

قائم مقام فراهانی، احیاکننده‌ی نثر فارسی در دوره‌ی قاجار است. اگر قائم مقام نبود نثر فارسی چنان که باید در دوره‌ی مشروطیت تحول نمی‌یافت. در منشآت قائم مقام فراهانی، سه شیوه‌ی ساده، بینابین و مصنوع دیده می‌شود، اما تکیه بر ساده‌نویسی است. در مجموع می‌توان این ویژگی‌ها را در نثر منشآت برشمرد:

۱ - خالی بودن نثر از واژه‌های ترکی و مغولی

۲ - توجه به زبان عامیانه مانند استفاده از «پُر» در «پُر مشتاق»، «پُر خام» و «پُر طمع»؛

استفاده از کاف تصغیر و تحبیب که در زبان عامیانه رایج بود مانند: دشمنک، چیزکی، نوکرک.

۳ - کاربرد سجع، ترصیع و موازنه در حد متعادل و متعارف

۴ - کاربرد آیات و احادیث به شیوه‌ای استادانه و شیرین

۵ - کاربرد شعر و ضرب‌المثل متناسب با کلام

[۲] ر.ک: ناتل خانلری، پرویز، «نثر فارسی در دوره‌ی اخیر»، نخستین کنگره نویسندگان

ایران، تهران ۱۳۲۶، ص ۱۳۳.

[۳] میرزا ملکم خان پس از مدتی به مقام مترجمی ناصرالدین شاه و سپس مستشاری میرزا آقا خان نوری، جانشین امیرکبیر، دست یافت.

[۴] برخی از پژوهشگران بر این باورند که «اگر چه میرزا ملکم خان، نخستین کسی است که در ایران انجمن فراماسونری به سبک انجمن فرنگستان برپا کرد اما در آغاز، فراموشخانه‌ی او، هیچ گونه پیوستگی‌ای با فراماسونری فرنگستان نداشته است و اگر وابستگی به لژهای فرانسه پیدا کرده باشد، این امر بعداً اتفاق افتاده است» (به نقل از: کنیرایی، مسعود، فراماسونری در ایران (از آغاز تا تشکیل لژ بیداری ایران)، انتشارات اقبال، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵، ص ۵۹). این سخن شاید درست باشد، چرا که ملکم خان گویا برای تأسیس فراموشخانه و لژماسونی از سوی محافل فراماسونی انگلستان یا فرانسه اجازه‌ای نداشته است. فعالیت‌های این لژ، بدگمانی ناصرالدین شاه را برانگیخت و شاه در ۱۲۷۸م. این محفل را منحل کرد. شاید این انحلال، دلیلی باشد که در وهله‌ی نخست، ارتباط چندانی بین این انجمن فراماسونری و محفل فراماسونری خارج از کشور وجود نداشته است و بعدها چنین ارتباطی پدیدار می‌شود. در این باره همچنین رک: آربن پور، یحیی، از صبا تا نیما، همان، ج ۱، صص ۳۱۴-۳۱۵.

[۵] انتساب این نمایشنامه‌ها به میرزا ملکم خان، اشتباهی است که به سخن دکتر حسن کامشاد راه یافته است. دکتر کامشاد گویا به پیروی از ادوارد براون (در تاریخ ادبی ایران، ترجمه‌ی رشید یاسمی، ج ۴، ص ۳۳۰) به این باور رسیده است. ادوارد براون چنین می‌نویسد:

سه تمثیل هم از آثار پرنس ملکم خان وزیر سابق ایران در دربار لندن به نظر رسیده که تاریخ تحریر آنها معلوم نیست. سابقاً قسمتی از آنها در پاورقی روزنامه اتحاد تبریز در سال ۱۳۲۶ق. / ۱۹۰۸م. طبع گردید، اما نسخه کامل هر سه تئاتر در کتابخانه دکتر فردریک روزن، دیپلمات و مستشرق معروف آلمانی به دست آمد و در سال ۱۳۴۰ / ۱۹۲۱-۲ در چاپخانه‌ی کاویانی برلن طبع شد. این نمایش‌ها عبارتند از: (۱) سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان در ایام توقف او در طهران (سنه ۱۲۳۲/۱۸۱۷)، (۲) طریقه حکومت زمان خان بروجردی در سنه ۱۲۳۶/۱۸۲۰ و (۳)

حکایت کربلا رفتن شاه قلی میرزا و سرگذشت ایام توقف چند روزه در

کرمانشاهان نزد شاه مراد میرزا حاکم آن جا.

علاوه بر ادوارد براون تقریباً تمام پژوهشگرانی که در باره‌ی نمایش در ایران به پژوهش پرداخته‌اند همین اشتباه را پیرامون انتساب این سه نمایشنامه به میرزا ملکم خان مرتکب شده‌اند: غلام علی فکری (در تاریخچه سی و پنج ساله تئاتر در ایران، سالنامه‌ی پارس، شماره ۲۱)؛ ابرج افشار در «نمایشنامه‌نویسی در ادبیات ایران»، (اطلاعات ماهنامه، ج ۴، شماره ۲)؛ جنتی عطایی در بنیاد نمایش در ایران و ...

اما نویسنده‌ی واقعی این سه نمایشنامه کیست؟ در سال ۱۹۵۵ م. «آ.ع. ابراهیموف» پژوهشگر جمهوری آذربایجان با انتشار آرشیو اسناد و نامه‌های میرزا فتح علی آخوندزاده، از این ابهام پرده برداشت و مشخص کرد که نویسنده‌ی این نمایشنامه‌ها، شخصی به نام «میرزا آقا تبریزی» است و میرزا ملکم خان در این مورد نقشی نداشته است (درباره‌ی میرزا آقا تبریزی رجوع کنید به: ملک پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸۷ به بعد).

«در آرشیو آخوندزاده، علاوه بر نامه‌هایی که میرزا آقا تبریزی به میرزا فتحعلی نوشته و در آنها به معرفی خود پرداخته، مکتوبی انتقادی از خود آخوندزاده هم وجود دارد که بر نمایشنامه‌های میرزا آقا، توسط آخوندزاده نوشته شده است... چهار نمایشنامه‌ای که به خط خود میرزا آقا تبریزی در این آرشیو موجود است عبارتند از: ۱- سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان؛ ۲- سرگذشت شاه قلی میرزا در کرمانشاه؛ ۳- طریقه حکومت زمان خان در بروجرد؛ ۴- قصه عشقبازی آقا هاشم خلخالی و سرگذشت آن ایام» (ر.ک: ملک پور، جمشید، همان، ص ۱۸۶).

بعیسی آرین پور در از صبا تا نیما (ج ۱، ص ۳۵۹)، انتساب این نمایشنامه‌ها را به میرزا آقا تبریزی تأیید می‌کند و نه به میرزا ملکم خان. دیدگاه حامد الگار در کتاب میرزا ملکم خان گواهی بر همین موضوع است (ر.ک: الگار، حامد، میرزا ملکم خان، ترجمه‌ی جهانگیر عظیمی و مجید تفریشی، انتشارات مدرّس، تهران، ۱۳۶۹).

[۶] در باره‌ی نمایشنامه‌ی «سرگذشت اشرف خانم، حاکم عربستان» رجوع کنید به: ملک پور، جمشید، همان، صص ۱۹۵-۲۰۰.

[۷] در باره‌ی نمایشنامه‌ی «طریقه حکومت زمان خان بروجردی» رجوع کنید به: همان،

صص ۲۰۴-۲۰۱.

[۸] در باره‌ی نمایشنامه‌ی «حکایت کربلا رفتن شاه قلی میرزا» رجوع کنید به همان،

صص ۲۰۶-۲۰۴.

[۹] به نظر می‌رسد که از دو دیدگاه، می‌توان درباره‌ی میرزا ملکم خان نظر داد:

۱- از دیدگاه گسترش اندیشه‌ی آزادی خواهی و مبارزه با پندارهای

نادرست مردم و بیدار کردن مردم از خواب آلودگی در دوران ناصرالدین

شاه قاجار، اندیشه‌های او بسیار مؤثر بود. از این حیث، اندیشه‌های میرزا

ملکم خان ستودنی است و او چهره‌ای مثبت دارد.

۲- از دیدگاه اخلاقی، او انسانی بی‌ایمان و متقلب است (ر.ک: کتیرایی،

محمود، فراماسونری در ایران، همان، ص ۶۳). «قزوینی» نیز در

یادداشت‌های خود، میرزا ملکم خان را فردی متقلب و کلاهبردار می‌داند.

[۱۰] از دیرباز در باره‌ی تغییر خط فارسی نظریه‌هایی مطرح شده است که دست کم به

نام سه تن در دوره‌ی مشروطیت می‌توان اشاره کرد: آخوندزاده، میرزا ملکم خان و

مستشارالدوله. پس از آخوندزاده که گویا نخستین کسی بود که عیب‌های الفبای فارسی را

دریافت، میرزا ملکم خان است که همانند آخوند زاده اعتقاد داشت «وضع خطوط ملل اسلام

زیاد از حد معیوب است و با چنان خط، محال خواهد بود که ملل اسلام بتوانند به درجه‌ی حالیه

فرهنگستان ترقی نمایند». میرزا ملکم خان و آخوندزاده اعتقاد داشتند که یکی از دلایل عقب

ماندگی ملت‌های اسلامی همین الفبای عربی - فارسی بود.

میرزا ملکم خان از ترکیب حروف الفبای فارسی، خط دیگری ساخته بود که به نظر او

ساده‌تر و مفیدتر بود. او شرح خط اختراعی خود را در رساله‌ای به نام «نمونه خط آدمیت» در

سال ۱۳۰۳ ق. منتشر کرد. الفبای ملکم خان به سبب اشکالات و نواقصی که داشت، رواج

نیافت.

[۱۱] دو رساله به نام «مبدأ ترقی» و «شیخ و وزیر» و نگارش چند حکایت از گلستان

سعدی و نیز کلمات قصار امام علی (ع) که در سال ۱۳۰۲ ق. در لندن به چاپ رسانید.

[۱۲] دکتر حسن کامشاد سال تولد طالبوف را ۱۸۵۵ م. (۲-۱۲۷۱ ق.) دانسته است. در

حالی که دیگر مأخذ از جمله آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، همان، ج ۱، ص ۲۸۷؛ آدمیت،

فریدون، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، انتشارات دماوند، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱

و بالایی، کریستف و کوبی پرس، میشل، سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، همان، ص ۳۹، سال تولد ملکم خان را ۱۸۳۴م. / ۱۲۵۰ ق. دانسته‌اند.

[۱۳] کتاب احمد، سفینه طالبی یا سفینه طالبوف به شیوه‌ی داستان امیل ژان زاکروسو نوشته شده است. این اثر در محافل ایرانیان خارج از کشور، بلند آوازه شد و تأثیری استوار و محکم بر مطبوعات دوره‌ی مشروطیت بر جای گذاشت. این کتاب از نخستین آثار جدید تربیتی برای نوجوانان در زبان فارسی به شمار می‌آید. ساختار آن بر پایه‌ی گفت و شنود است چرا که نویسنده معتقد است:

نخستین سبب ترقی معارف و حکمیات، آزادی افکار و افتتاح باب سوالات است. از این روی نویسنده از راه ملت‌خواهی به نگارش آن کتاب [کتاب احمد] دست برد تا راه سؤال و جواب به روی مبتدیان باز و ذهن آنان روشن گردد و برای آموختن علوم عالی آماده شوند. (ر.ک: آدمیت، فریدون، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، انتشارات دماوند، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵).

[۱۴] برای آگاهی بیشتر درباره‌ی طالبوف به این آثار مراجعه کنید:

- آدمیت، فریدون، اندیشه‌های طالبوف تبریزی
- بالایی، کریستف و کوبی پرس، میشل، سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، همان، صص ۳۹-۴۰
- آرین پور، بحیی، از صبا تا نیما، ج ۱، صص ۲۸۷-۳۰۴
- میر عابدینی، حسن، صد سال داستان نویسی ایران، نشر چشمه، تهران، بهار ۱۳۷۷، ج ۱ و ۲، صص ۲۴-۲۵
- براهنی، رضا، قصه نویسی، چاپ سوم، نشر نو، تهران، ۱۳۶۲، صص ۵۲۰-۵۲۲

فصل ۴

در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت

سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ

در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت، دو کتاب منتشر شد که در رویدادهای آینده، آگاهی مردم و نوشکوفایی ادبی ایران، نقش بارز و برجسته‌ای داشت. این دو کتاب عبارتند از: سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ و ترجمه‌ی فارسی رمان پرآوازه‌ی جیمز جوستینین موریه^۱، یعنی ماجراهای حاجی بابای اصفهانی.

سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ، نخستین کوشش برای آفرینش رمان فارسی به سبک اروپایی بود. این اثر ۳ جلدی، به هنگام انتشار نخستین جلد آن، بدون ذکر نام نویسنده در سال‌های پیش از مشروطیت، دگرگونی بزرگی در ایران پدید آورد. دولت مستبد، به سبب بیان بسیار انتقادی سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ نسبت به وضعیّت حاکم، از پخش آن جلوگیری کرد و هر کس که آن را خوانده بود جریمه و شماری را که می‌پنداشت نویسنده‌ی کتاب باشند به این اتهام دستگیر کرد. اما

1 . James Justinian Morier.

این گام‌ها، فایده‌ای نبخشید. در برابر، مردم با شور و اشتیاق بیشتری به خواندن این کتاب برانگیخته شدند و خواندن آن به صورت پنهانی ادامه یافت. چون انتشار این کتاب در ایران ممنوع بود، هر جلد آن در مکان‌های گوناگون در خارج از کشور منتشر شد. نخستین جلد، بدون تاریخ است و در قاهره به چاپ رسید؛ جلد دوم در ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م. نوشته شد و در سال ۱۳۲۵ ق. / ۱۹۰۷ م. در کلکته و جلد سوم در ۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۹ م. در استانبول به چاپ رسید. ترجمه‌ی آلمانی جلد نخست، به کوشش دکتر شولتز در لایپزیگ در ۱۳۲۱ ق. / ۱۹۰۳ م. منتشر شد که در آن، به زمان انتشار نسخه‌ی اصلی اشاره شده است.

مردم از نویسنده‌ی این کتاب، آگاهی نداشتند؛ چند سال پس از آن، در پی چاپ جلد سوم، نام زین العابدین مراغه‌ای، بازرگان ایرانی ساکن استانبول، در صفحه‌ی عنوان کتاب دیده می‌شد. در جلد سوم کتاب، نویسنده، زندگی‌نامه‌ی خود را آورده که گزیده‌ای از آن چنین است:

حاج زین العابدین مراغه‌ای در ۱۲۵۳ ق. [۱] از پدر و مادری گرد در مراغه زاده شد. نیاکان او از خان‌های سارجبلاغ بودند، آنان نخست شافعی مذهب بودند، اما بعدها به مذهب شیعه گرویدند. خانواده‌ی زین العابدین از ثروتمندان مراغه بودند و با ثروت ۵۰۰۰ تومانی از ممولان منطقه به شمار می‌رفتند. او در کودکی به مکتب رفت، اما به سبب شیوه‌ی نادرست آموزشی و نابسامانی درسی، چندان پیشرفت نکرد. در ۱۶ سالگی به داد و ستد و بازرگانی پرداخت. پس از ورشکستگی، با برادر خود به قفقاز رفت. این سفر سرآغاز تحوّل‌ی در زندگی زین العابدین مراغه‌ای بود. در قفقاز به داد و ستد پرداخت؛ اما سرنوشت، او را به نایب کنسولی ایران در تفلیس رساند. زین العابدین در این مقام، باور ایرانیان بود و به آنان پول قرض می‌داد. اما چون این

طلب‌ها ادا نمی‌شد، بار دیگر با تنگدستی روبرو شد. سپس به کریمه رفت و در یالتا مغازه‌ای دایر کرد. بار دیگر بخت به او روی آورد. در این زمان تابعیت روسیه را پذیرفت، اما بنا به گفته‌ی خود از این موضوع خشنود نبود. پس از ۱۵ سال بار دیگر تابعیت ایرانی را بازیافت. این تابعیت به بهای از دست رفتن بیشتر ثروت او انجامید. سپس یالتا را ترک کرد و در استانبول سکنا گزید. حاج زین العابدین مراغه‌ای در سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰ م. درگذشت. او در هنگام مرگ تقریباً ۶۰ ساله بود [۲].

هر چند، در ایران، شمار اندکی با نام زین العابدین مراغه‌ای آشنا بودند، کتاب سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ بسیار شناخته شد. سیاحت‌نامه، داستان پسر تاجری تبریزی است که در مصر به دنیا آمد و در همان دیار بالنده شد. ابراهیم بیگ که از پدر، درس وطن‌پرستی، علاقه‌ی تعصب‌آمیز به ایران و تمدن کهن این سرزمین را آموخته بود، بنا بر وصیت پدر، به همراه معلم سرخانه‌ای خود به ایران سفر می‌کند. اما برخلاف سخنان پدرش که ایران را چون بهشتی توصیف کرده بود، در ایران جز بدبختی، فقر و ستم چیزی نیافت. ابراهیم بیگ، در خاطرات سفر خود، گزارشی را همراه با خشم و غضب، پیرامون وطن‌پرستی شدید و در عین حال ناامیدکننده‌ی خود به دست می‌دهد و به تمام یافته‌ها و دیده‌های خود درباره‌ی ستمگری و فساد حکومت وقت و رفتار احمقانه و بی‌عدالتی اشاره می‌کند. نویسنده چیزی از قلم نمی‌اندازد: قدرت استبدادآمیز، رفتارهای شرارت‌آمیز شاه، وزیران و مقام‌های ارشد دولتی که با عنوان‌های مطمئن و پرطمطراق حکومتی به آزار و باج ستانی از مردم می‌پرداختند، عقب ماندگی ایران، بی‌قانونی، بی‌عدالتی، نبود نظم، نابسامانی مدرسه‌ها و مراکز علمی و تعلیم و تربیت، نبود

خدمات بهداشتی، استعمال مواد مخدر و افیونی، بی‌رونی بازار تجارت، ریاکاری و دورویی مآلاها و ... حتی آثار مصنوع تکلف‌آمیز گذشته و الفبای زبان فارسی، از نگاه انتقادآمیز او پنهان نمانده است. در بخش در خور توجهی از کتاب، هنگامی که ابراهیم بیگ با وزیران جنگ، امور داخله و خارجه گفتگو می‌کند، به وظیفه‌ی این وزارت‌خانه‌ها اشاره می‌کند و بدین ترتیب مردم و خوانندگان خود را با این موضوع آشنا می‌کند. نویسنده در جای جای کتاب، وضعیت دوره‌ی قاجار را با شکوه سده‌های پیشین و گذشته‌های افتخارآمیز ایران مقایسه می‌کند و بارها به نام بزرگان تاریخی این سرزمین اشاره می‌کند: شاه عباس صفوی، نادر شاه افشار و میرزا تقی خان امیرکبیر.

با وجود آگاهی نویسنده از وظیفه‌ای که بر دوش دارد، یعنی آگاه کردن مردم و بر حذر داشتن آنان از نادانی و به رغم کامیابی و آوازه‌ی اطمینان بخش جلد نخست که با هدف او همسویی دارد، در جلدهای پسین کتاب، این هدف را پی نمی‌گیرد و در این راه استوار نیست. جلد دوم، عمدتاً به بیماری شگفت‌انگیز ابراهیم بیگ، ناشی از وضعیت بسیار ناگوار ایران و بیان خسته‌کننده‌ی سوکواری خاتواده‌اش اختصاص می‌یابد. در جلد سوم، درونمایه‌ی اصلی در جایگاه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و کتاب به آمیزه‌ای از شعر، سخنان حکیمانه، کلمات قصار امام علی (ع)، مجموعه‌ای از امثال و حکم فارسی، پنجاه اصل در حکومت‌داری و گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌ی پرآوازه‌ی آن زمان یعنی «حبل‌المتین» تبدیل می‌شود، همراه با فصلی مفصل درباره‌ی ژاپن، پیشرفت ناگهانی این کشور و متن سخنرانی امپراتور میکادو. گنجاندن این فصل در کتاب، بیانگر آن است که چگونه، ایرانیانی که برای آن پیشرفت و بیداری کشور در سده‌ی ۱۹م. این چنین

اهمیت یافته بود، هوشیارانه پیشرفت‌هایی که می‌توانست در ایران پدید آید، با پیشرفت‌هایی که در دیگر کشورها از جمله ژاپن شکل گرفته بود می‌سنجیدند [۳]. کاربرد کلمات قصار امام علی (ع) و امثال و حکم عامیانه کارکردی کهن در بیان پند و اندرزهای بزرگان داشت و کسی را در برابر آنان یارای سانسور نبود.

با وجود این، دگرگونی درونمایه‌ی اصلی سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ تأسف‌برانگیز است، به ویژه، جلد سوم کتاب که پس از مشروطیت به چاپ رسید، یعنی زمانی که عرصه‌ای مناسب برای بسط و گسترش درونمایه‌ی کتاب و حتی استوارتر کردن چارچوب سست داستان فراهم آمد. در حقیقت، متوسط بودن محتوا و درونمایه‌ی جلد دوم و سوم کتاب و تفاوت سبکی جلد نخست با دو جلد دیگر، برخی را بر آن داشته است که در زمینه‌ی یکی بودن نویسنده‌ی سه جلد تردیدی روا دارند. از این‌رو، عده‌ای بر این باورند که میرزا مهدی خان تبریزی، نویسنده‌ی مقالاتی برای روزنامه‌ی «اختر» استانبول، جلد نخست سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ را نوشت. افزون بر این، در این کتاب، با نادرستی‌های چشمگیری روبرو می‌شویم، مثلاً نویسنده به این موضوع اشاره می‌کند که قانون اروپاییان به طور کامل از قانون اسلام سرچشمه گرفته شده است.

با این همه، پیداست که سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ را میهن‌پرستی مشتاق و دل‌باخته نوشته است که تنها دل‌بستگی و آرزوی او، خوشبختی، کامیابی و پیشرفت کشور می‌باشد. نمونه‌ای از میهن‌پرستی نویسنده‌ی کتاب اشاره‌ای است که وی کاربرد زبان ترکی را در زادگاه خود، آذربایجان، غیر طبیعی می‌داند و بر آن است که ایرانیان فارسی‌زبانی که با مردم آذربایجان به زبان ترکی گفتگو

می‌کنند خیانت پیشه‌اند. به این ترتیب، نویسنده به سبب شور، شوق و دل‌بستگی خود به ایران، گاه به افراط می‌گراید و همین باعث شده است درونمایه‌ی کتاب تا اندازه‌ای، احساسی، میهن پرستی تعصب‌آمیز و مضحک به نظر برسد. خواننده، به سادگی درمی‌یابد که گرچه نویسنده به خوبی از درد آگاه است، از درمان هیچ نمی‌گوید. بسیاری از دیدگاه‌ها و باورهای او پیرامون ایران آن روزگار، نو است که اکنون کهن به نظر می‌رسد. در این کتاب، احساس و اشتیاقِ نویسنده، جایگزین منطق و خردورزی می‌شود.

جدا از درونمایه و شیوه‌ی بیان، سبک سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ، اهمیت در خور توجهی دارد. نویسنده، یکی از نخستین ایرانیانی است که با شجاعت، خود را از قید و بندهای سبک سنتی تصنعی و تکلف‌آمیز رها کرد و کتاب را با سبکی ساده و با بهره‌گیری از واژه‌های گفتاری نوشت. گرچه گاه به زبان نویسنده، نقص‌هایی راه می‌یابد، اما زبان درخشان، زنده و نافذ است. گفته شده است که نثر زین العابدین مراغه‌ای، به سبب ماندگاری دیرپای وی در سرزمین‌های ترک زبان، از زبان ترکی تاثیر پذیرفته است. با این همه، زبان سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ، در مقایسه با بیشتر نوشته‌های آن زمان، از حیث سادگی، روانی و شیوایی، جایگاه بی‌مانندی دارد. سخن ادوارد براون، پس از گذشت دهه‌ها از انتشار سیاحت‌نامه، بیانگر نوآوری و اهمیت این کتاب است. البته این نکته نیز گفتنی است که امروز دیگر دیدگاه ادوارد براون درباره‌ی نویسندگان ایرانی، آن‌چنان جایگاهی ندارد؛ چرا که اینک، همه‌ی نویسندگان از زبان گفتاری به مثابه‌ی ابزار بیانی بهره می‌گیرند. ادوارد براون چنین می‌نویسد:

سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ که در تسریع انقلاب ۱۳۲۴ق. /
۱۹۰۵-۶م. در ایران، سهم به‌سزایی داشت. به سبکی ساده و محکم

نوشته شده و انشای آن بسیار خوب است و برای دانشجویی که می‌خواهد با زبان روزمره‌ی فارسی آشنا شود و اطلاعات عمومی و تا حدی افسرده‌کننده‌ای از اوضاع آن مرز و بوم پیدا کند، کتاب بهتری سراغ ندارم [۴].

ورای نقطه ضعف‌های سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ، نویسنده‌ی آن یکی از پیشگامان اتحاد ملی ایران است. این کتاب، بر رویدادهای ایران، تأثیر چشمگیری داشت و در حقیقت زین العابدین مراغه‌ای یکی از پایه‌گذاران انقلاب مشروطه است [۵].

ترجمه‌ی ماجراهای حاجی بابای اصفهانی

دومین کتاب در خور توجه که در صفحه‌های پیشین به آن اشاره‌ای شد، ترجمه‌ی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی است. این رمان زیبا و بدیع، نوشته‌ی جیمز جوستین موریه [۶]، از زمان چاپ به سال ۱۸۲۴م. در بریتانیا، دریافت‌های نادرست و نیز ژرف‌اندیشی‌هایی را، به سبب چهره‌ی دوگانه‌ی کتاب برانگیخت. از یک سو، تصویری که جیمز موریه از قهرمان داستان به دست می‌دهد، بسیار مبالغه‌آمیز است. بر این پایه، حاجی بابا را نمونه‌ی یک ایرانی دانستن، نادرست می‌نماید. از سوی دیگر، جیمز موریه از زندگی خصوصی، آداب و رسوم ایرانیان و شیوه‌ی زندگی بخش‌های گوناگون جامعه‌ی ایران، آن‌چنان آگاهی‌ها و دریافت‌های شگفت‌انگیز و در خور توجهی به دست می‌دهد که نمی‌توان فردی را چنین آگاه به مسایل ایران، خارجی دانست. این موضوع، درنگ‌ها و بحث‌هایی را پیرامون این کتاب پدید آورده است. به رغم آن که نویسنده در دیباچه‌ی کتاب حاجی بابا در انگلستان بر آن است که حاجی بابا،

شخصیتی واقعی نیست. این پرسش‌ها نیز گفته می‌شود که آیا حاجی بابا همان میرزا ابوالحسن، ایلچی ایران به بریتانیای کبیر نیست؟ همان کسی که جیمز موریه را در سفر به بریتانا و بازگشت به ایران همراهی کرد. آیا حاجی بابا، چهره‌ای شیاد است و یا قهرمانی تخیلی و ساختگی که نویسنده، آن را آفریده است؟ آیا جیمز موریه این کتاب را به تنهایی نوشت و یا دوستان نویسنده به او کمک کردند؟ [۷] به هر حال، نگارنده‌ی این سطور، در این جستار در پی بررسی این پرسش‌ها و گمان‌ها نیست و آن چه بیشتر در خور توجه است ترجمه‌ی فارسی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی است.

حتی هنگامی که به متن فارسی کتاب نگاهی می‌اندازیم، باز هم با این پندارها و گمان‌ها روبرو می‌شویم. تا سال‌های پیش از این پنداشته می‌شد که مترجم کتاب، شیخ احمد روحی کرمانی - مخالف آزادی خواه سرسخت ناصرالدین شاه - است که از اوضاع و احوال سیاسی و فکری ایران در آن زمان، انتقاد می‌کرد. گزیده‌ای از زندگی نامه‌ی شیخ احمد، در دیباچه‌ی چاپ نخست فارسی کتاب که به سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م. در کلکته به کوشش کلنل دی. سی. فیلتوت^۱ به چاپ رسید آمده است. کلنل فیلتوت بر این باور بود که بی‌گمان، شیخ احمد، مترجم کتاب است. اما این پندار که پس از درگذشت شیخ احمد، توسط این کلنل انگلیسی بیان شد، با نگاهی به سخن استوار شیخ احمد، دیگر پذیرفته نیست. زیرا شیخ احمد در نامه‌ای به زنده‌یاد پروفیسور ادوارد براون در ۱۰-۱۳۰۹ق. / ۱۸۹۲م. به صراحت می‌گوید که میرزا حبیب اصفهانی، کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، نوشته‌ی جیمز موریه را از فرانسه به فارسی

و اصطلاحات مردم بازاری اصفهان و سایر شهرهای ایران را در آن ذکر کرده و عادت ایرانیان را مجسم ساخته. خواست در اسلامبول آن کتاب را طبع کند، سانسور اذن و رخصت نداد. هرگاه طالب باشید نسخه‌ای از آن برای سرکار بفرستم و اگر در لندن چاپ بفرمایید در ایران طالب و خریدار بسیار به هم می‌رساند و حبیب افندی هم حق خود را به آن جناب مصالحه می‌کند به همان طبع کردن کتابش، با کمال ممنونیت از سرکار.

بر پایه‌ی سخن ادوارد براون در این دیباچه (جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران، کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی را بسیار ستوده است) میرزا حبیب اصفهانی اندکی پس از ارسال نامه توسط شیخ احمد، روی در نقاب خاک کشید. گویا میرزا حبیب، نسخه‌ی فارسی کتاب را به شیخ احمد سپرده است. شیخ احمد در سال ۱۳۱۴ ق. / ۱۸۹۶ م.، یعنی چهار سال پس از این‌که ادوارد براون را از برگردان فارسی کتاب آگاه کرد به قتل رسید. شواهد، گواه بر آن است که ادامه‌ی کار به فرد دیگری سپرده شد، یعنی کلنل دی. سی. فیلتوت. شیخ احمد روحی کرمانی پس از این‌که از قلمرو عثمانی به ایران بازگردانده شد در پی خیانتی به او، در تبریز، نزدیک سرحدات ایران - عثمانی به قتل رسید و کتاب‌های وی (که به احتمال، نسخه‌ی فارسی کتاب جیمز موریه، ترجمه‌ی میرزا حبیب اصفهانی نیز در میان آنها بوده است) به خانواده‌اش در کرمان تحویل داده شد. در این هنگام، کلنل فیلتوت، کنسول بریتانیا در کرمان بود و به طور اتفاقی به نسخه‌ی اصلی کتاب دست یافت. فیلتوت در دیباچه‌ی خود بر نخستین چاپ کتاب چنین نوشت:

این اثر از روی نسخه‌ی اصل و پس از مقابله با نسخه‌ای که مترجم

(شیخ احمد) به موطن خود فرستاده، تهیه شده و انتشار آن نیز با اجازه‌ی وارثان او صورت گرفته است.

از این رو می‌توان پنداشت که کلنل فیلوت، به نادرستی گمان می‌کرد شیخ احمد، مترجم این کتاب است. همچنین کلنل فیلوت دریافته که مرحوم میرزا حبیب اصفهانی در برگردان کتاب نقشی داشته است، چرا که در دیباچه‌ی کتاب به این نکته اشاره می‌کند که شیخ احمد به هنگام ماندگاری در استانبول، چندین اثر (از جمله ماجراهای حاجی بابای اصفهانی) را از زبان فرانسه به انگلیسی، به یاری میرزا حبیب اصفهانی، سراینده‌ی اصفهانی تبار به فارسی برگردان کرده است.

به هر روی، کلنل فیلوت، شیخ احمد را مترجم کتاب می‌پنداشت، به گونه‌ای که تصویر او را در صفحه‌ی نخست چاپ اول، دوم و سوم کتاب در کلکته به چاپ رساند. در دیباچه‌ی چاپ دوم کتاب، سال ۱۹۲۳ م. و نام کمبریج به چشم می‌خورد. احتمالاً در کمبریج، کلنل فیلوت، ادوارد براون را ملاقات کرد. آیا ادوارد براون، نامه‌ی شیخ احمد را به فراموشی سپرده است؟ یا بر اساس تدبیری و با بزرگواری و بلندنظری خود نمی‌خواست نادرستی سخن کلنل فیلوت را در دیباچه‌ی او بر چاپ نخست کتاب (۱۹۰۵ م.) بازگوید و پیرامون مترجم واقعی کتاب، یعنی میرزا حبیب اصفهانی، سخنی براند. ادوارد براون در جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران (۱۹۲۴ م.) در اشاره‌ای گذرا به نسخه‌ی فارسی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، از شیخ احمد روحی به عنوان مترجم کتاب یاد کرده، اما خواننده را به نسخه‌ی انگلیسی کتاب (۱۸۹۵ م.) که نام اصلی را در این نسخه بیان کرده هدایت کرده است. چه بسا، ادوارد براون که در این هنگام کهنسال و بیمار بود، نامه‌ی ۳۲ سال پیش شیخ احمد را که در آن اشاره کرده

مترجم کتاب، میرزا حبیب اصفهانی است از یاد برده بود.

آگاهی ما در باره‌ی زندگی و پیشه‌ی میرزا حبیب اصفهانی، مترجم ناشناخته‌ی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، بسیار اندک است. وی در روستای کوچکی در چهارمحال اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در همان دیار گذراند. سپس به مدت چهار سال در بغداد به آموختن ادبیات و الهیات پرداخت. از گفته‌های جنبی معاصران میرزا حبیب اصفهانی دریافت می‌شود که وی اندیشمندی فرزانه و توانا بوده است. اما آوازه‌ی میرزا حبیب، به شاعری او - با تخلص شعری «دستان» - باز می‌گردد. وی همچنین نثرهایی نوشت که برجسته‌ترین آنها، برگ سبز، پس از درگذشت وی در تبریز به سال ۱۳۱۸ ق. / ۱۹۰۰ م. به چاپ رسید. چندین متن فارسی از جمله شعرهای بوشاک و محمد کاری نیز به تصحیح و کوشش میرزا حبیب انتشار یافت. دیگر آثار میرزا حبیب، در زمینه‌ی دستور زبان فارسی و خوشنویسی است از جمله: دستور سخن [۹] (استانبول، ۱۳۱۴ ق.)، دبستان پارسی (استانبول، ۱۳۰۸ ق.)، راهنمای فارسی (استانبول، ۱۳۰۹ ق.) و خط و خطاطان (استانبول، ۱۳۰۸ ق.)، این اثر به زبان ترکی نوشته شد [۱۰]. میرزا حبیب در سال ۱۲۸۶ ق.، ترجمه‌ی کتاب Le Misanthrope نوشته‌ی مولیر را به نام مردم گریز منتشر کرد. همچنین باید از اثر دیگر او، برگردان غریب عواید ملل (۱۳۰۲ ق. / ۱۸۸۵ م.) یاد کرد که از نویسنده‌ی آن، نامی به میان نیامده است. نیز آگاهی که میرزا حبیب اصفهانی، پشتیبان استوار دموکراسی و آزادی خواهی بود و به شدت با حاکمیت خودکامه‌ی آن روز ایران، سرستیز داشت و با نظام ریاکار مذهبی نیز مخالفت می‌ورزید. به این ترتیب به کفر متهم شد و به ناچار در سال ۱۲۷۶ ق. [۱۱] به

قلمرو عثمانی گریخت. در آن دیار تا پایان زندگی به سال ۱۳۱۵ ق. [۱۲] در بیم و واهمه روزگار گذراند و از راه معلمی گذران زندگی می‌کرد.

روحیه‌ی ستیزه‌گری میرزا حبیب در برابر دستگاه‌های مذهبی و سیاسی ایران - دو نهاد بسیار ریشه‌دار و توانای آن روزگار - در عزم وی به برگردان کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی نوشته‌ی جیمز موریه نقش بارزی داشت. این اثر در زبان اصلی، به رغم تمام آوازه و درخشندگی آن، با نگرشی یک سو به و بر پایه‌ی پیش‌داوری و با نمایش تصویری مبالغه‌آمیز از پاره‌ای جنبه‌های زندگی در ایران (آن هم بدترین جنبه‌ها) نوشته شده و برگردان فارسی کتاب نیز به سبب ستیزه‌گری مترجم با زمینه‌های مذهبی و سیاسی کشور، این ویژگی کتاب را نمایان‌تر کرده است.

باید یادآور شد که ترجمه‌ی فارسی کتاب، ترجمه‌ای کاملاً آزاد است. مترجم، در مواردی که دگرگونی در متن اصلی با هدف او همسویی داشت، در انجام این کار، گمانی به خود راه نداده است. از این رو، ترجمه‌ی فارسی کتاب در سنجش با متن اصلی، بسیار متفاوت است. در مواردی یک بند کامل از متن کاسته و یا به متن افزوده شده و گاه چندین صفحه از متن حذف شده است.^۱ برای مثال، در متن انگلیسی کتاب، فصل سی و هفتم، «ماجراهای یوسف ارمنی و همسرش ماریان» ۳۴ صفحه است، در حالی که در متن ترجمه‌ای، این فصل به ۵ صفحه کاهش یافته است. یکی از دلایل آشکار این نکته، این است که در این بخش، به آداب و رسوم و آیین عروسی ارمنی‌ها پرداخته می‌شود و برای

۱. مقصود از ترجمه‌ی فارسی کتاب، نسخه‌ی فارسی کلنل دی. سی. فیلوت (کلکته،

خواننده‌ی ایرانی نمی‌توانسته چندان جذابیتهای داشته باشد و با هدف مترجم نیز چندان همسویی نداشته است.^۱ چند نمونه‌ی تصادفی دیگر، این نکته را بیشتر روشن می‌کند.

جیمز موریه، در دیباچه‌ی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، از چند اروپایی نام می‌برد که اسلام آورده‌اند. میرزا حبیب اصفهانی - مترجم کتاب - از ترجمه‌ی این بخش چشم می‌پوشد؛ اما هر جا که در متن انگلیسی، به مقام‌های دولتی ایران و مقام و مرتبت آنان اشاره‌ای شده است، از جمله صدرالعظم، وزیر امور داخله، خزانه‌دار کل و ...، در ترجمه، نام و لقب آنان بیان شده است. به این ترتیب مترجم می‌خواهد نادانی و بی‌عدالتی‌های آنان را نشان دهد. در ترجمه به عنوان‌هایی برمی‌خوریم مانند: اعتماد الدوله، دبیر الملک، مستوفی الممالک و در اشاره به خزانه‌دار کل، نخست نام امین الدوله صدر اصفهانی و در فصل‌های پسین عنوان معیر الملک بیان شده است.^۲

مترجم، در بیان زندگی و فعالیت‌های روحانیان دوروی و دو چهره، با تفصیل بیشتری بحث کرده و تصویری که از ریاکاری و دورنگی اینان به دست می‌دهد، نسبت به متن انگلیسی کتاب، هولناک‌تر و مبالغه‌آمیزتر است. مترجم، عمدتاً می‌کوشد جنبه‌ی انتقادی کتاب را پررنگ‌تر کند.^۳ مترجم، گاه کاسه‌ی داغ‌تر از آتش می‌شود و اگر در جایی جیمز موریه به نیکی از ایرانیان یاد کرده

۱. همچنین نگاه کنید به: فصل ۲۶ و پایان دیباچه، کتاب ماجراهای حاجی بابای

اصفهانی.

۲. نک. صص ۴۷ و ۹۹. همان.

۳. برای مثال، نگاه کنید به: صفحات ۳-۴، ۹۰، ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۴۰ و ۱۴۱ متن

فارسی و انگلیسی.

باشد، معنا را به طور کامل دگرگونه می‌سازد. برای مثال، جیمز موریه در بیان سخن، از خواسته‌های سیاسی سفیر بریتانیا می‌نویسد:

سفیر بریتانیا اصرار داشت برخی امتیازهای سیاسی به او واگذار شود. اما وزیر از روی ملاحظاتی، از جمله منافع ایران مجبور بود آنها را رد کند (ص ۱۱۷ متن انگلیسی).

اما در ترجمه‌ی فارسی کتاب، این جمله چنین معنا شده است:

ایلچی در رواج تجارت و گشودن مدارس و مکاتب در ایران اصرار داشت و معتمدالدوله می‌گفت که این کارها مصلحت دولت نیست (ص ۱۱۷ متن فارسی).^۱

همچنین مترجم گاه بدون هیچ دلیلی (نک. صص ۱، ۱۹ متن فارسی) و گاه به سبب همانندی‌های موارد (نک. صص ۹۲، ۲۱۶ متن فارسی) در مطالب، دگرگونی‌هایی پدید می‌آورد.

متن انگلیسی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، افزون بر ویژگی‌هایی که داراست طنزی فکاهی به شمار می‌آید. بی‌گمان، از این حیث، مترجم بر نویسنده پیشی گرفته است. در شرح و توصیف تشریفات درباری و به تصویر درآوردن مآلاها، درویشان و دیگر طبقه‌ها، به سبب افزوده‌هایی به متن، ترجمه‌ی فارسی از متن انگلیسی، باریک‌بینانه‌تر و جالب‌تر شده است.^۲ دیگر ویژگی بارز ترجمه فارسی ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، کاربرد گسترده‌ی مترجم از شعرهای پرآوازه و متداول می‌باشد که در جای جای کتاب به تناسب به کار گرفته شده

۱. همچنین نگاه کنید به: صص ۳۳۱ و ۴۵۳ متن کتاب.

۲. برای مثال نگاه کنید به: صفحات ۳۲، ۴۲، ۷۷، ۷۹، ۲۱۳ و ۳۲۵ متن فارسی

و انگلیسی کتاب.

است. این کاربرد، همراه با بهره‌گیری از سخنان عامیانه و استنادهای گسترده به آیه‌های قرآنی و روایت‌ها، نشان‌دهنده تسلط مترجم بر ادبیات فارسی، زندگی و زبان ایرانیان و نیز آگاهی وی از فرهنگ و معارف اسلامی است.

گاه نیز ذوق ادبی مترجم، شکوفا می‌شود و انبوهی از واژه‌ها و ترکیب‌های زیبای ادبی به کار می‌گیرد، به گونه‌ای که از موضوع دور می‌شود و سبکی مصنوع در نثر خود در پیش می‌گیرد. پس از عبارت «کاروان آماده شده بود یک هفته پس از جنگ نوروز عازم شود» چندین سطر به فرا رسیدن فصل بهار می‌پردازد. این نوع کاربرد را در جای جای کتاب می‌توان دید. برای مثال در ص ۲۹، مترجم انبوهی از واژه‌ها و عبارات‌های ادبی تصنع‌آمیز و متکلفانه وارد متن می‌کند که به گونه‌ای مبهم، ناسازگار با متن هستند که بنا به گفته‌ی کنل فیلوت «خواننده، در بین عبارات‌ها و جمله‌ها سردرگم می‌شود». افزون بر این، نادرستی‌های کوچک و در عین حال فراوان، ناتوانی مترجم را در دریافت و شناخت پاره‌ای واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه نشان می‌دهد. از سوی دیگر، گاه نیز دیده می‌شود که میرزا حبیب اصفهانی، نادرستی‌های متن انگلیسی موریه را تصحیح و افتادگی‌ها را کامل کرده است.^۱

اگر جزئیات فنی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی را نادیده بگیریم و تنها به ترجمه‌ی فارسی کتاب بسنده کنیم، چشم‌انداز جدیدی فراروی مان قرار می‌گیرد. این کتاب از نظر اجتماعی و سیاسی، در بیداری و آگاه کردن مردم و به پیش بردن انقلاب مشروطیت، تأثیر بسیار ژرفی بر جای گذاشت. از دیدگاه ادبی

۱. برای مثال رجوع کنید به: صص ۴-۳، ۶۷، ۸۶، ۸۹، ۱۴۸ و ۱۵۰ متن فارسی

و انگلیسی کتاب.

نیز یکی از کامیاب‌ترین تجربه‌ها در روند جدید نویسندگی پدیدار شده، به گونه‌ای که هنوز هم بسیاری از نویسندگان جدید ایرانی از سبک نویسنده‌ی این کتاب پیروی و از آن به عنوان یکی از بهترین آثار دوره‌ی معاصر، یاد می‌کنند. ملک الشعرای بهار در باره‌ی کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی چنین می‌نویسد:

قلمی که قدرت بر مجسم ساختن حکایات حاجی بابا کرده است از قدرترین و محکم‌ترین ساده‌نویسان آن عصر می‌باشد.^۱

ملک الشعراء همچنین بر این نکته تأکید می‌کند:

نثر حاجی بابا گاهی در سلاست و انسجام و لطافت و پختگی مانند گلستان و گاه در مجسم ساختن داستان‌ها و تحریک نفوس و ایجاد هیجان در خواننده، نظیر نثرهای فرنگستان است. هم ساده است و هم فنی، هم با اصول کهنه‌کاری استادان نثر موافق و هم با اسلوب تازه و طرز نو همدستان، و در جمله یکی از شاهکارهای قرن سیزدهم هجری است.^۲

نکته‌ی پایانی، پانوشته‌های در خور توجه ترجمه‌ی فارسی است که مصحح بر متن کتاب افزوده است. این پانوشته‌ها، جدا از آن‌که گاه، مصحح معنای درست اصطلاحی را در نیافته است، برای دانش پژوهان علاقه‌مند به آموختن فارسی نوین و گفتاری، دقیق و بسیار سودمند است [۱۳].

۱. رک: بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، ج ۳، تهران، ۱۳۳۷ ش، ص ۳۳۶.

۲. همان‌جا.

نخستین ترجمه‌ها

افزون بر ترجمه‌ی 'ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، پیش از مشروطیت، ترجمه‌های بارز و برجسته‌ای آفریده شدند. این آثار، نقش در خور توجهی در دگرگونی‌ها و جنبش‌های ادبی این دوره داشتند.

ترجمه از زبان‌های اروپایی با راه یافتن صنعت چاپ به ایران آغاز شد. اما، نخستین ترجمه‌ها که بیشتر، کتاب‌های درسی در زمینه‌ی تاریخ، جغرافیا و دانش‌های گوناگون برای بهره‌گیری در دارالفنون بود، از جنبه‌ی ادبی، ارزش چندانی نداشت. ترجمه‌ی رمان و نمایشنامه، در سال‌های پس از این آغاز شد. درونمایه‌ی جدید، فرم جذاب و زبان زنده و پویا، آن‌چنان در خوانندگان فارسی زبان تأثیر گذاشت که تا سال‌ها، این دسته از آثار، از سرگرمی‌های بارز خانواده‌های ایرانی به شمار می‌آمدند.

از میان نخستین کتاب‌های داستانی، ترجمه‌ی میرزا عبداللطیف طسوجی از متن عربی الف لیلۃ و لیلۃ، مجموعه‌ای از روایت‌ها و حکایت‌ها با ریشه‌ی ایرانی، در خور بیان است. نثر فارسی ترجمه‌ی این کتاب، استوار، سنجیده و زیباست و تأثیری ژرف بر آثار سال‌های پسین بر جای گذاشت.

در سال ۱۲۸۸ ق. / ۱۸۷۱ م. میرزا جعفر قراچه‌داغی، چند نمایشنامه‌ی میرزا فتح علی آخوندزاده را از زبان ترکی به فارسی برگردان کرد. پنج نمایشنامه از این دست، سه سال بعد، در مجموعه‌ای به چاپ رسید. مترجم در دیباچه‌ی در خور توجه خود بر این نمایشنامه‌ها، به ارزش تربیتی تئاتر و زبان ساده و گفتاری این نمایشنامه‌ها پرداخته است (و اشاره به این نکته که همگان، چه افراد با سواد و چه بی‌سواد با خواندن و شنیدن این آثار، می‌توانند از آنها درس بگیرند). میرزا

جعفر قراچه‌داغی، به بازیگرانی که این نمایشنامه‌ها را اجرا می‌کردند می‌آموخت که چگونه واژه‌ها را، همان‌گونه که در گفتار به کار می‌رود، به کار گیرند. در ۸-۱۳۰۷ق. / ۱۸۹۰م. ای. راجرز، سه نمایشنامه را از این مجموعه به انگلیسی ترجمه کرد که متن انگلیسی همراه با متن فارسی در برابر هر صفحه، همراه با واژه‌نامه‌ی در خور توجهی به چاپ رسید. در پی انتشار این نمایشنامه‌ها، افزون بر معرفی یک نوع جدید ادبی به نویسندگان ایرانی، کاربرد زبان گفتاری در آثار ادبی مطرح شد. برای نخستین بار، نویسندگان ایرانی دریافتند که چگونه نقل قول مستقیم را در آثار خود به کار گیرند.

یکی دیگر از نخستین مترجمان ایرانی، شاهزاده محمد طاهر، نوه‌ی عباس میرزا بود. او به فرمان ناصرالدین شاه قاجار، شماری از رمان‌های الکساندر دوما را مانند کنت دومونت کریستو، سه تفنگدار، لارن مارگو، لویی چهاردهم و فرنش ترجمه کرد [۱۴]. پیچیدگی ظرافت این حکایت‌ها و هیجان‌انگیزی این گونه‌ی ادبیات جدید، آن‌چنان مردم را شیفته کرد که خانواده‌ها گرداگرد یکدیگر می‌نشستند و این حکایت‌ها را می‌شنیدند و با صدای بلند می‌خواندند.

چون نخستین گروه دانشجویان اعزامی ایرانی به کمک بورس تحصیلی به فرانسه رفتند، تأثیرپذیری آنان از فرهنگ و ادبیات فرانسوی در سده‌ی نوزدهم بارزتر بود و بیشتر ترجمه‌ها از زبان فرانسه به فارسی انجام گرفت. پاره‌ای از پرآوازه‌ترین این ترجمه‌ها عبارتند از: سه ترجمه به کوشش ذکاء الملک فروغی به نام هشتاد روز دور دنیا اثر ژول ورن، کلبه‌ی هندی اثر برناردین دوسن پیرا،

عشق و عفت اثر شاتوبریان، ژیل بلامس اثر لِساز^۱، ترجمه‌ی محمد کرمانشاهی [۱۵]، پل و ویرژینی^۲ اثر برناردین دوسن پیر، ترجمه‌ی ابراهیم نشاط و طیب اجباری اثر مولیر، ترجمه‌ی علی مقدم [۱۶] اعتماد السلطنه. شماری از رمان‌های تاریخی جرجی زیدان که توسط عبدالحسین میرزا قاجار به فارسی ترجمه شد نیز بر ذوق رایج ادبی جامعه و آثار آنان تأثیر گذاشت [۱۷].

نخستین روزنامه‌ها

پژوهش در زمینه‌ی تاریخ روزنامه‌ها، جایگاه و نقش مطبوعات در ایران، به کتاب جداگانه‌ای نیازمند است. با این همه، پاره‌ای از مطبوعات در آستانه‌ی مشروطیت، آن‌چنان در پیدایش باورها و اندیشه‌های مشروطه‌خواهان، پرورش نویسندگان جدید و نوشکوفایی نثر نوین فارسی نقش داشته‌اند که نمی‌توان تنها به کوتاهی و فشردگی از آنها سخن گفت.

پیش از انقلاب مشروطیت در ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م. شمار اندکی روزنامه در ایران به چاپ می‌رسید. این روزنامه‌ها به ندرت، گرایش‌های سیاسی داشتند و نسخه‌های اندک آنها عمدتاً دربرگیرنده‌ی شعر و جستارهای ادبی بود. چرا که حکومت استبدادی قاجار، هرگونه انتقاد سیاسی را ممنوع کرده بود. از این رو، نشریه‌هایی که به سیاست می‌پرداختند، به مانند بیشتر کتاب‌هایی که پیش از این نام بردیم، در خارج از ایران به چاپ می‌رسیدند.

پراوازه‌ترین روزنامه‌ای که در داخل ایران به چاپ می‌رسید، روزنامه‌ی

1 . Le Sage.

2 . Paul et Verginie.

تریت (۱۳۲۴-۱۳۱۴ق. / ۱۹۰۶-۱۸۹۶م.) به سردبیری محمد حسین فروغی، مشهور به ذکاء الملک بود. همان‌گونه که می‌توان انتظار داشت این روزنامه دارای گرایش‌های سیاسی اندکی بود و از حکومت استبدادی وقت پشتیبانی می‌کرد. اما از دریچه‌ی ادبی، به سبب بزرگی و برجسته بودن سردبیر آن به عنوان نویسنده و شاعری توانا، جایگاه بارزی داشت. آنچه فروغی در چارچوب مقاله‌های ادبی، زندگی‌نامه‌های جذاب، جستارهای علمی و به ویژه ترجمه‌هایی که به صورت پاورقی به چاپ می‌رساند، روزنامه‌ی تربیت را سرآمد و پیشرو نشریه‌های ادبی آن زمان کرده بود.

اما نشریه‌هایی که در خارج از کشور منتشر می‌شدند مخالف حکومت قاجار بودند، فرم‌های جدید ادبی ارائه کردند و بر اندیشه‌ی عموم مردم ایران بسیار تأثیر گذاشتند. بیشتر این نشریه‌ها در ایران ممنوع بودند، اما مردم علاقه‌مند و مشتاق، به هر شکلی، آنها را مخفیانه به دست می‌آوردند و می‌خواندند. از شمار این نشریه‌ها، پنج نشریه اهمیت بیشتری داشتند:

۱ - هفته‌نامه‌ی اختر: از ۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۵م. تا ۱۳۱۵ق. / ۱۸۹۷م. در استانبول به چاپ می‌رسید. شیوه‌ی بیانی آن معتدل و آرام بود، با این حال تکیه‌گاه و سبب نیرو یافتن بسیاری از ایرانیان تبعیدی میهن‌پرست به‌شمار می‌آمد.

۲ - ماهنامه‌ی قانون: به سردبیری میرزا ملکم خان از ۱۳۰۷ق. / ۱۸۹۰م. تا ۱۳۱۰ق. / ۱۸۹۳م. در لندن منتشر می‌شد. این نشریه در بین مطبوعات پیش از مشروطیت، اهمیت درخور توجهی داشت.

۳ - هفته‌نامه‌ی جبل‌المتین: انتشار آن از سال ۱۳۱۰ق. / ۱۸۹۳م. در کلکته آغاز شد. جبل‌المتین یکی از منظم‌ترین نشریه‌های آن زمان به‌شمار می‌آمد

و گروه‌ها و تشکیلات مذهبی از آن بسیار پشتیبانی می‌کردند. این نشریه، با بررسی و تحلیل نابسامانی‌ها و ناپاکی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه، بر روند بسیاری از رویدادهای سیاسی مؤثر بود و در راستای آرمان‌ها، خواسته‌های مردم، جایگاه بارزی داشت. همچنین از چاپخانه‌ی این هفته‌نامه برای انتشار کتاب‌های سودمند استفاده می‌شد.

۴- ثریا (۱۳۱۸-۱۳۱۷ ق. / ۱۹۰۰-۱۸۹۹ م.).

۵- پرورش (۱۳۱۹-۱۳۱۸ ق. / ۱۹۰۰-۱ م.). این دو نشریه که میرزا محمد علی خان شیبانی در قاهره منتشر می‌کرد، عمر کوتاهی داشتند، از آوازه و محبوبیت گسترده‌ای بهره‌مند شدند، «در دگرگونی بزرگ فکری در میان جوانان ایرانی مؤثر بودند، افکار عمومی را برانگیختند و در میان سردمداران دریاری بیم و هراس پدید آوردند»^۱.

این نشریه‌ها و چند نشریه‌ی دیگر که اهمیت کمتری داشتند، سبب آگاهی سیاسی مردم شد و سرانجام انقلاب مشروطیت پدید آمد. افزون بر این، این نشریه‌ها بیش از هر عامل دیگری در پایه‌گذاری جنبش‌های ادبی که به رشد و گسترش نثر نوین فارسی منجر شد، نقش بارزی داشتند [۱۸].

1 . Browne, E.G, *The Press and Poetry of Modern Persia*, Cambridge, 1914,